وحدت در منظومه فکری امام خمینی ره!

وحدت از نظر امام از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را نه یک امر مستحب بلکه واجب شرعی می دانند و از موضع یک فقیه صاحب فتوا، با بیاناتی مانند: واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند.(صحیفه امام ، ج 6، ص ۸۳) مسلمین به حکم اسلام باید ید واحده باشند،(همان، ج2، ص 403) همه باید با هم باشند. این یک تکلیف الهی ـ شرعی است به عهدۀ ما و به عهدۀ همۀ ملت.(همان، ج ۲۰، ص ۲۲۶) در این جملات «تکلیف»، «واجب» و «باید» وظیفه پیروان اسلام را از لحاظ حکم شرعی روشن نموده است.

وحدت یکی از اصول بنیادین و از مهم‌ترین آرمان‌های اسلام است که از صدر اسلام تاکنون در میان مسلمانان همواره مورد توجه بوده است. در جهان هستی اصل بر وحدت مبدأ آفرینش است. وحدت درحقیقت مهم‌ترین عامل اقتدار یک ملت است لذا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که، بیشترین تیرهای دشمنان نیز به همین‌سو نشانه رفته است. امام خمینی(س) به عنوان رهبر امت اسلام، حفظ اسلام را منوط به حفظ وحدت می دانند؛ و بر همه واجب می‌دانند که این وحدت را حفظ کنند. چرا که وحدت، موجب عزت و رشد و به دنبال آن امنیت و رفاه می‌شود و در مقابل تفرقه و جدایی مسلمانان از یکدیگر باعث ضعف، نزاع و درمانگی در تمام زمینه‌ها خواهد شد.

وظیفه‌شناسی و انجام تکلیف الهی یک اصل اساسی در زندگی امام خمینی(س) است، چنان که در قدیمی‌ترین سند مرتبط با ایشان که در اردیبهشت 1323ه.ش آن را نگاشته است این معنا را به وضوح می‌توان دریافت کرد. در این پیام که با آیه «قُل اِنَّما اَعِظُکُم بِواحِدةٍ اَن تَقومُو اِ مَثنی وَ فُرادی»(سبأ 46) شروع می‌شود و با آیه «وَمَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَی اللَّهِ»(نساء 100) خاتمه می‌یابد، آن حضرت راه سعادت دو جهان را قیام برای خدا و ریشه اصلی گرفتاری‌های مسلمانان جهان را قیام برای منافع شخصی و هواهای نفسانی دانسته‌اند.(صحیفه امام، ج 1، ص 21) لذا، دعوت به وحدت اسلامی نیز بر اساس تعالیم اسلامی از طرف ایشان مطرح می‌شود. چنانکه می‌فرمایند «باید تعلیمات اسلامی را فرا گرفت و همانطور که اسلام دستور داده است که مؤمنین در همه جا برادر هستند و امر کرده است به اینکه اعتصام بحبل اِ بکنید و متفرق از هم نشوید و

دستور داده است به این که تنازع با هم نکنید و إلا فشل می‌شوید، مسلمین می‌توانند از گیر ابر قدرت‌ها و از گیر حکومت‌های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند. این دعوت الهی است. از صدر اسام تا آخر»(صحیفه امام ج 13، ص 91).

بر اساس فرمایشات امام خمینی(س) وحدت کلمه و وحدت اعتقادی امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. ایشان، افتراق و جدایی را از گناهان کبیره و حرام و ایجاد دوستی، و برادری را راه ایجاد اتحاد کلمه و وحدت کلمه می‌دانند. وحدت از نظر امام از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را نه یک امر مستحب بلکه واجب شرعی می دانند و از موضع یک فقیه صاحب فتوا، با بیاناتی مانند: واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند.(صحیفه امام ، ج 6، ص ۸۳) مسلمین به حکم اسلام باید ید واحده باشند،(همان، ج2، ص 403) همه باید با هم باشند. این یک تکلیف الهی ـ شرعی است به عهد ما و به عهد همه ملت.(همان، ج ۲۰، ص ۲۲۶) در این جملات «تکلیف»، «واجب» و «باید» وظیفه پیروان اسلام را از لحاظ حکم شرعی روشن نموده است.

در اندیشه امام خمینی(س) یکی از راه‌های ایجاد وحدت اسلامی تشکیل حکومت اسلامی است که نشأت گرفته از وجوب حفظ وحدت در نظام اسلامی است. از نظر ایشان تشکیل حکومت اسلامی فی نفسه هدف نیست، چرا که مطلوب بودن آن وابسته به اهداف مطلوبی چون: تحقق عدل و قسط در جامعه، اجرای قوانین، برقراری نظام اسلامی، حفظ وحدت جامعه و امت است و تحقق جمهوری اسلامی نیز به عنوان حکومت مطلوب و شایسته نتیجه این وحدت است. در واقع وحدت عامل ضروری تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضرور وحدت است، این دو ملازم یکدیگرند. به تعبیر امام (س) وحدت برای حفظ نظام لازم و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است.(جمشیدی، 1384، جیستی و ماهیت «وحدت و همبستگی» در اندیشه سیاسی امام خمینی)

به عقیده امام برای وحدت بین مسلمانان باید حکومت‌های ظالم مسلّط بر آنها را ساقط کرده و به جای آن حکومت اسلامی تشکیل دهیم. ایشان در این باره می‌فرمایند: «از طرفی وطن اسلام را استعمارگران و حکام مستبد و جاه‌طلب تجزیه کرده‌اند. امت اسلام را از هم جدا کرده و به صورت چندین ملّت مجزا در آورده‌اند... ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست نشانده آنها خارج و آزاد کنیم راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم» (صحیفه امام ج ۱۰ ، صص ۱۶۰ - ۱۵۹) امام خمینی(س) اساس پیشرفت و تعالی جامعه را تنها بر دو پایه «وحدت مردم» و «ایمان به خدا» استوار می‌دانند. ایشان برای عنصر وحدت در تحقق اهداف اسلام چنان اهمیتی

قائل هستند که حتی تعهد به اسلام را منهای اتحاد، بی اثر و بی نتیجه می‌دانند: «اساس پیشرفت شما ملت عزیز، تعهد به اسلام و وحدت کلمه است. تعهد به اسلام بدون اینکه با هم اجتماع کنید در مسایل بی فایده است. اجتماع در مسایل بدون تعهد به اسلام، مضر است.(همان، ج ۱۵، ص ۴۵۱)

امام تأثیرگذاری این دو عنصر «ایمان به خدا و اتحاد کلمه» در سعادت جامعه را یک امر مسلم و قطعی می‌دانند که پایه و اساس همه پیروزی‌ها و تحولات مهم و سرنوشت‌ساز اجتماعی را تشکیل می‌دهد و هیچ یک از آن دو برای خود جایگزینی ندارند. این نکته بارها از زبان امام و به شکل‌های مختلف شنیده شده است که می‌فرمودند: رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت؛ و بعد وحدت کلمه. این دو مطلب را حفظ کنید.(ج ۶، ص ۳۱۰) «اگر ما وحدت کلمه‌مان و اسلامیت، این دوتا اگر محفوظ بماند، ما پیروزهستیم.»(، ج ۷، ص ۳۱۶) «کاری بکنید که این کلمه «یداللّه مع الجماعه» از دستتان نرود. اگر جماعت‌ها همه با هم باشند و ایده اسلامی باشد دست خدا همراهشان است».(همان، ج 12، ص448) «پیروزی‌مان با وحدت کلمه و اتکای به اسلام بود، الله اکبر ما را پیروز کرد، حالا هم سلاح ما همان الله اکبر است و وحدت کلمه ما را پیروز کرد. حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است».(همان، ج 13، ص 155) ایشان وحدت را گاه همراه با «اسلام» بیان می‌کنند و گاه همراه با «ایمان» یا «الله اکبر». گفتنی است اساس دیدگاه فوق آیه کریمه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا» است. چرا که در این آیه، «وحدت امت» و «محوریت الله» در کنار هم و هر دو با هم مورد فرمان خداوند قرار گرفته است.

عقیده امام خمینی(س) درباره تحقق وحدت، مبتنی بر درک ایشان از عوامل تفرقه در جهان اسلام است. ایشان تفرقه را عمدتاً نتیجه دخالت‌های خارجی می‌دانند که با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی، فرآیندهای تخریب و تضعیف وحدت را در جوامع اسلامی انجام داده و خواهند داد. از نظر ایشان هدف این نیروهای خارجی از ایجاد تفرقه، سلطه بر جوامع مسلمان و غارت منابع آنان است و در این باره می‌گویند «آنهایی که می‌خواهند از بلاد مسلمین بهره‌گیری کنند، آنهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهایی که می خواهند دولت‌های اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند، اینها کوشش کرده‌اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند».(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۹)

امام خمینی(س) وحدت جهان اسلام را مهمترین عامل قدرت جهان اسلام می‌دانند و مانع اصلی وحدت را عناصر خارجی و ابرقدرت‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر معرفی می‌کنند که برای تداوم منابع خود در منطقه با بهره‌گیری از دو ابزار داخلی یعنی تفرقه مذهبی و تفرقه قومی سعی در تجزیه جهان اسلام دارند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که زمینه جدایی و اختلاف بین مسلمانان را ایجاد می‌کند، مسأله شیعه و سنی بودن است که توسط عناصر بیگانه و قدرت‌های استعماری و استکباری مطرح و به آن دامن زده می‌شود تا از

این راه بین مسلمانان اختلاف بیندازند؛ تا هم مانع رشد اسلام شوند و هم از طرفی بتوانند به راحتی بر آنها سلطه پیدا کنند. امام خمینی(س) به این مسأله مهم توجه داشته‌اند و بارها در سخنان خود به برادری اهل سنت و شیعه تأکید کرده‌اند. ایشان تفرقه‌اندازی را کار دشمنان اسلام دانسته و از شیعیان و اهل سنت خواسته‌اند که وحدت خود را حفظ و نقشه‌های اجانب را خنثی کنند. امام اختلاف شیعه و سنی را از ملی‌گرایی خطرناک‌تر می‌دانند و در این مورد می‌فرمایند «از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد اختلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.(صحیفه امام ، ج 13، ص 209)

امام از عناصر داخلی به عنوان کارگردانان عوامل خارجی یاد می‌کند که به تفرقه در جهان اسلام دامن می‌زنند و اشاره می‌کنند که این عناصر داخلی در خدمت عامل اصلی تفرقه یعنی عامل خارجی هستند: «آنهایی که می‌خواهند ایجاد تفرقه بکنند اینها نه اهل سنت هستند و نه اهل تشیع هستند. آنها کسانی هستند که کارگردانان دولت‌های ابرقدرت هستند و در خدمت آنها هستند».(همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳) امام به صورت خاص به دو دسته از این عناصر داخلی اشاره می‌کنند و یکی از آنها را برخی سران اسلامی می‌دانند و می‌گویند: «یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می‌باشند... جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملت‌ها و دولت‌ها به سود خودشان بهره‌برداری می‌کنند، با دست عمال از خدا بی خبر خود به اختلافات دامن می‌زنند».(همان، ج ۱۵، ص ۱۶۹)

از نظر امام عناصر فرهنگی به عنوان دومین کارگزار عمل می‌کنند که به طور خاص به برخی اقدامات آخوندهایی که ایشان از عناوین «جیره خوار» و «نفاق افکن»(همان، ج 19، ص 339) برای آنها استفاده می‌کنند، اشاره دارند، از جمله به اقدام این عناصر در ایجاد تفرقه بین ایران اسلامی و بقیه کشورهای مسلمان اشاره کرده و می‌گویند: «در آستانه کوشش بی امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث آمریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می‌دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره‌ها گفته‌اند: «اسلامی که ایرانیان می گویند، غیر از اسلامی است که ما می گوییم».(همان، ج 13، ص 208)

حاصل کلام این که وحدت اسلامی یک آرمان اخلاقی-اجتماعی است که مبتنی بر ایمان به خدا و اعتصام بحبل ا‌ست. وحدت، عاملِ اصلیِ عزت، امنیت و رفاهِ جامعه اسلامی است؛ در مقابل، تفرقه می‌تواند آسیب‌های جدی ایجاد کند و باعث نفوذ و سلطه استعمارگران شود. امام خمینی(س)، تفرقه را نتیجه

دخالت‌های خارجی و رفتارهای داخلی ناسالم می‌دانند و بر این نکته تأکید می‌کنند که حفظ وحدت وظیفه‌ای دینی و شرعی است. برای تحقق این وحدت، احترام به تفاوت‌ها، مشارکت همگانی و تقویت اخوت و برادری تأکید می‌شود. در نهایت، وحدت کلمه و ایمان به او محورِ سعادت و پیشرفت جامعه‌اند و هیچ یک را نمی‌توان بدون دیگری به کار بست.

نویسنده :معصومه نصیری